

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفتاد و چهارم، پاییز ۱۴۰۳: ۹۳-۶۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی زمینه‌های تاریخی - اجتماعی اندیشه و آثار «بانو نصرت امین»

سید حمیدرضا رئوف *

قدرت‌الله خیاطیان **

عظیم حمزنیان ***

چکیده

بررسی زمینه‌های تاریخی و اجتماعی آثار به معنای تعمیق بیشتر دربارهٔ زمینه‌ها و زمانه‌ای است که افکار نویسنده در تلاقی سه محور تاریخ، موقعیت و فردیت به اتخاذ رویکردها و ترجیح و برآمدن اندیشه‌های خود نائل می‌شود. منظری که در مطالعهٔ تاریخ ادبیات باید به آن توجه شود. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با بررسی زمینه و زمانهٔ حیات «بانو امین اصفهانی»، خط سیری از حیات بانو امین و وقایع و رویدادهای مربوط به دوران او ترسیم شده است که در آن با اشاره به زمانه و اوضاع فرهنگی و اجتماعی، زمینه‌ها و دلایل اقدامات مختلف و نگارش تألیفات متعدد او بیان می‌شود. نتیجه آنکه این مقاله خط سیر تاریخی را از حیات بانو امین ترسیم می‌کند که در آن با معرفی سیر و ترتیب تاریخی آثار او، کیفیت ادبی و نسبت محتوای آثارش را با تحولات اجتماعی روزگار او بیان می‌کند. خصیصهٔ ادبی غالب در آثار امین، روانی و صراحت بیان در توضیح افکار و اندیشه‌هاست. امین حتی در بیان رویکردهای عرفانی در تفسیر نیز در عین کاربرد صناعات ادبی مختلف، بیانی روان و ساده را به خدمت گرفته است. این رویکرد وی به دلیل دغدغه‌اش دربارهٔ ترویج اندیشه‌های خود در ارتباط با فضای

ha.raoof@semnan.ac.ir

Khayatian@semnan.ac.ir

ahamzeian@semnan.ac.ir

* دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه سمنان، ایران

** نویسنده مسئول: استاد گروه ادیان و عرفان دانشگاه سمنان، ایران

*** دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه سمنان، ایران



فرهنگی و اجتماعی است. امری که به درک بهتر ما از سیر تحولات فکری و رویکردهای بانو امین کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: نصرت امین، مخزن‌العرفان، گاه‌شماری، تاریخ اجتماعی و تاریخ اندیشه.

مقدمه

شناخت شخصیت‌های مهم و برجسته تاریخی یا علمی از مجرای آثار آنها میسر می‌شود. آثار و تألیفات واجد رویکردها و نظریه‌های مختلف فرد است. با این حال محتوای آثار برای درک و شناخت همه جوانب فکری و اندیشه‌ای آن افراد کافی نیست؛ زیرا انسان و افکار او در مثلث زمان، مکان و تجربه فرد ساخته می‌شود و آثار متضمن بخشی از ماحصل پیوند این سه گانه است. در حقیقت آثار و تألیفات درباره اندیشه‌ها و رویکردها سخن می‌گویند، اما درباره زمینه‌های شکل‌گیری و تحولات یا رشد آنها و دلایل ترجیح یا کنار گذاردن برخی رویکردهای دیگر خاموشند. از همین‌رو شناخت افراد و فهم آثار بدون درک تاریخ و روزگار مؤلف، فاقد معرفت دقیق خواهد بود. اهمیت این موضوع در تألیفات با رویکرد فرهنگی و اجتماعی، دوچندان می‌شود.

درک روزگار مؤلف و رویدادهای تاریخی مبتنی بر آن، نقش مهمی در شکل‌گیری و ابراز اندیشه‌هایی دارد که وی در آثارش منعکس کرده است. آگاهی از سیر افکار و فرایند کمال فکری در آثار مؤلف نیز می‌تواند نقش مهمی در فهم ما از رویکردها و اندیشه‌های او داشته باشد؛ زیرا این فرایند می‌تواند واجد تغییراتی در اندیشه فرد باشد. موضوعی که نقش و اهمیت ورود تاریخ به ادبیات را برجسته می‌سازد. به مدد این امر می‌توان به زمینه‌ها و دلایل تغییر در نگرش و تضاد محتوایی بین دو اثر از یک مؤلف پی برد و دلیل تأکیدها و چرایی برخی چارچوب‌بندی‌ها در اندیشه و زمینه‌های فکری فرد را شناسایی کرد (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۹۵).

زندگی‌نامه‌ها و مقدمات مربوط به آثار تاحدودی به معرفی بافت تاریخی می‌پردازند و نقش مهمی در توصیف زمینه‌های تاریخی-اجتماعی دارند و می‌توانند متضمن سیر تاریخی حیات مؤلف، تحولات فکری و مکتوبات او نیز باشند. البته این قالب، ضروری زندگی‌نامه‌ها یا مقدمات آثار نیست و گسست میان تاریخ و متن در بسیاری از تألیفات مشاهده می‌شود و ضرورت بررسی تاریخ ادبی آثار را دوچندان می‌کند. همچنین گاه برخی افراد زندگی‌نامه‌های خودنوشتی دارند که به سیر اندیشه خود اشاره می‌کنند. با این حال این محتوای روایی اغلب فاقد ارجاع به بافت فرهنگی و اجتماعی است و باید با دیگر دلالت‌های تاریخی- فرهنگی بررسی و تدقیق شود تا به عنوان خط سیری تاریخی مقبول افتد.

در مطالعه تاریخی آثار، گاه‌شماری^۱، منظری برای جای‌گذاری فرایندها، رویدادها و آثار در خط سیر تاریخی است. گاه‌شماری حیات فکری و آثار نیز به معنای بررسی تحقیقی برای تعیین دقیق تاریخ آثار و تألیفات مؤلف و پیوند آنها با بافت تاریخی حیات اوست که طی آن، آثار در ربط و نسبت با وقایع اجتماعی روزگار او قرار می‌گیرند. رویکردی که می‌کوشد اخبار (داده) را با امر واقع (تاریخ) منطبق کند (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۰-۵۳). گاه‌شماری آثار را به دو صورت می‌توان انجام داد: با توجه به دلالت‌های درونی (محتوای آثار در ارتباط با بخش خاصی از وقایع تاریخی مؤلف) و با توجه به دلالت‌های بیرونی (تاریخ نشر آثار، اخبار مرتبط با مؤلف یا آثار او در منابع تاریخی)؛ رویکردی تاریخی که با نقد بیرونی و درونی در روش نقد تاریخی قرابت بسیار دارد (دلور، ۱۳۸۷: ۲۴۱؛ ملائی توانی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). فرایند گاه‌شماری حیات فکری مبتنی بر ارائه‌ای تاریخمند از زندگانی مؤلف است. با ارائه این خط سیر می‌توان آثار مؤلف را از طریق دلالت‌های درونی و بیرونی منظم کرد و با توجه به شواهد، حدود تاریخی نگارش آثار را تعیین نمود.

این رویکرد را در مقاله حاضر درباره آثار بانو نصرت امین به کار گرفته‌ایم. وی اولین زن مجتهدی است که تمام قرآن را با مشربی عرفانی تفسیر کرده است. زندگانی او با دوره‌ای خاص از تحولات فرهنگی و اجتماعی در ایران همراه بوده است. گذار زندگانی او از تحولات اجتماعی با محوریت جایگاه زنان در اصفهان آغاز شده و با تحولات تغییر حکومت از قاجار به پهلوی همراه بوده است. این گذار، تا افول شاهنشاهی و پیروزی انقلاب در ایران ادامه یافته تا سرانجام او در میانه جنگ ایران و عراق درگذشت. وقایع متنوع حیات وی از اجتهاد تا تفسیر و از فقه تا عرفان، گذاری فرهنگی اجتماعی است که پیرنگ مداوم مسئله زنان را در خود دارد؛ موضوعی که از دید عموم زندگی‌نامه‌های او مغفول مانده و سیر زندگانی او بدون ایجاد ارتباط و پیوست با این بافت تاریخی بیان شده است. از همین رو ابهامات و اشکالاتی در روایت زندگی‌نامه بانو امین و زمینه‌های تاریخی نگارش آثار او و حتی ترتیب این آثار^(۱) بروز کرده است. با توجه به اهمیت این آثار در فهم تاریخ ادبی آن روزگار و پیوست تحولات تاریخی- اجتماعی با محتوای آثار، مطالعه تاریخ ادبی آثار بانو امین هم به درک بهتر اندیشه او منجر خواهد شد، هم زمینه بهتر مطالعه و

بررسی دیگر آثار آن دوران را فراهم می‌کند. حال آنکه این موارد را با تأمل در بافت تاریخی روزگار او می‌توان برطرف کرد و جنبه‌های مغفولی از زندگی او را بازشناخت.

پیشینه پژوهش

در منابع زندگی‌نامه‌ای، فعالیت‌ها و رویدادهای حیات بانو امین با ارائه سیری از آثار او بیان شده است. هرچند این رویکرد می‌تواند مفید باشد، نیاز است تا سیر نگارش آثار نیز به شکلی دقیق تاریخ‌گذاری شود تا خط منطقی وقایع و رویدادها مشخص شود. از همین‌رو در منابع و تحقیقات انجام‌شده درباره بانو امین نمی‌توان منبع یا پژوهشی را درباره گاه‌شماری حیات فکری و اقدامات او یافت. البته این رویکرد که منطقی روشی در بررسی احوال و آثار اشخاص دارد، رویکردی تاریخی در مطالعات ادبی است که هنوز جایگاه خود را در پژوهش‌های زبان فارسی به نحو شایسته نیافته است.

در مقاله «نقش بانو امین در گسترش علوم اسلامی با تأکید بر دانش و روش تفسیری»، طیبی (۱۳۹۹) کوشیده است تا با توجه به آثار بانو امین در حوزه‌های متعدد اخلاق، فلسفه، عرفان و تفسیر، به جوانب تأثیر اجتماعی وی بپردازد. از این‌رو از رجوع به بحث تاریخی و معرفی جنبه‌های ادبی دیگر آثار او صرف‌نظر کرده است.

در مقاله «اخلاق اسلامی در آراء، آثار و اندیشه‌های بانوی ایرانی»، موضوع اخلاق سبب شده است تا کریم‌پور (۱۳۹۷)، نویسنده مقاله به برخی منابع مرتبط با موضوع اخلاق از بانو امین بپردازد. ضمن آنکه به معرفی آثار و تألیفات او فارغ از جوانب تاریخی نیز پرداخته است. اما با موضوع مقاله پیش رو، تفاوت موضوعی و رویکردی دارد.

تنها مقاله‌ای که بیشترین ارتباط را با نوشتار پیش رو در کاربرد رویکرد تاریخی به زندگی‌نامه‌ها دارد، مقاله رضاداد و طباطبایی (۱۳۸۷) با عنوان «گاه‌شماری آثار شیخ طوسی» است که به تنظیم تاریخی آثار شیخ طوسی پرداخته و سیر تاریخی نگارش آثار و خط سیر فکری او را بررسی کرده است.

با توجه به رویکرد تحلیلی، این مقاله، اقوال مندرج در منابع زندگی‌نامه و مقدمات آثار بانو امین را ذیل خط سیری تاریخی ذکر و بررسی می‌کند و پیوند محتوایی آنان را با بافت تاریخی-اجتماعی نشان می‌دهد. این خط سیر، متناسب با حیات بانو امین و

وقایع روزگار او تنظیم شده است که در آن، ایشان متناسب با موقعیت‌ها و شرایط فردی و اجتماعی خود، اقداماتی را انجام داده و آثاری را منتشر کرده است. بیان این خط سیر مشتمل مطالعه تاریخ ادبی آثار بانو امین و فهم بهتر آثار و تألیفات او از منظر تاریخی است. ضمن آنکه صورت محتوایی و نوع پرداخت ادبی آثار را معرفی می‌کند که در دو بخش ارائه می‌شود: اول. تدقیق اطلاعات تاریخی درباره زندگی امین: این اطلاعات در منابع مربوط به بانو امین با ابهام یا خطاهای تاریخی ذکر شده است؛ دوم. پیوند وضعیت اجتماعی با آثار قلمی و اقدامات فرهنگی بانو امین: در چهار دوره به ارتباط آثار و بافت تاریخی - اجتماعی روزگار مؤلف پرداخته خواهد شد. در هر قسمت نیز در ذیل معرفی آثار بانو امین به جنبه‌های محتوایی، ادبی و سیر موضوعی این آثار خواهیم پرداخت.

بحث اصلی

اول. تدقیق اطلاعات تاریخی درباره زندگی امین

این قسمت به سه موضوع تاریخی در زندگی نامه بانو امین پرداخته و ابهام آنها در منابع زندگی‌نامه‌ای امین را، بر اساس شواهد تاریخی در آثارش یا مدارک تاریخی بیرونی مرتفع خواهد کرد.

تدقیق تاریخ تولد

سیده نصرت امین اصفهانی، مشهور به بانو امین در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۴۷-۱۳۱۳ق.) و در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان متولد شد. پدر امین، سید محمدعلی حسینی اصفهانی، ملقب به امین‌التجار، از نوادگان خاندان خاتون‌آبادی در اصفهان بوده (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۳۴۹) که نسبش به میر عبدالحسین بن محمدباقر بن میراسماعیل خاتون‌آبادی (۱۱۰۵ق) از علمای برجسته دوران صفوی و مؤلف کتاب «وقایع السنین و الأعوام» می‌رسد. مادر بانو امین نیز زهرا خانم، دختر حاج مهدی، ملقب به جناب است (اسلامیت، ۱۳۸۹: ۶) که از خاندان شیخ‌الاسلام اصفهان بود. اعتبار این خاندان به محمدباقر بن محمد مؤمن شریف سبزواری، معروف به محقق سبزواری (۱۰۹۰ق.) است که در دوران شاه عباس دوم و شاه سلیمان، شیخ‌الاسلام اصفهان بود (ر.ک: مهدوی، ۱۳۷۱).

برخلاف اجماع منابع تاریخی درباره تاریخ وفات او، درباره تولدش دو تاریخ متفاوت

ذکر شده است: تاریخ ۱۳۰۸ق/۱۲۶۵ش که بر اساس آن، امین ۹۷ سال زیسته (امین، ۱۴۳۹ق: ۲۸ (مقدمه)؛ یادنامه، ۱۳۷۱: ۹؛ ریاحی، ۱۳۸۷: ۹۹) و تاریخ ۱۳۱۲ق/۱۲۷۴ش که بر اساس آن، او ۸۸ سال زیسته است (طیبی، ۱۳۸۳: ۲۶؛ فریده عصر، ۱۳۸۹: ۸۹). این اختلاف که در منابع متأخر مربوط به حیات وی نیز راه یافته، با پژوهش طیبی (طیبی، ۱۳۸۳: ۲۶) مرتفع شده است؛ زیرا او به دست خطی از بانو امین اشاره کرده که تاریخ تولد خود را ۱۳۱۲ق/۱۲۷۴ش ثبت کرده است. بر اساس پژوهش طیبی، تاریخ تولد امین، ۲۶ ذی حجه ۱۳۱۲ق/۳۰ خرداد ۱۲۷۴ش است؛ موضوعی که باید اختلاف درج تاریخ را در منابع خاتمه دهد.

تحصیل و نحوه شاگردی

برخلاف فضای سنتی آن روزگار که به تحصیل دختران و زنان کمتر توجه می‌شد (مستوفی، ۱۳۴۳، ج ۱: ۷۱۱)، والدین بانو امین به تحصیل و آموزش فرزند خود توجه داشتند و او را در چهار سالگی، روانه مکتب‌خانه کردند (یادنامه، ۱۳۷۱: ۱۲). با اتمام فراگیری او در مکتب‌خانه، بانو امین تا پانزده سالگی در خانه به امر تحصیل اشتغال داشت (همان: ۳۱). او در پانزده سالگی با پسرعموی خود، حاج میرزا آقا معروف به معین‌التجار ازدواج کرد (اسلامیت، ۱۳۸۹: ۶). با این حال او تا سنّ چهل سالگی به تحصیل علوم اسلامی مداومت داشت. در منابع مختلف درباره زندگی بانو امین، نام استادان بنام آن روزگار اصفهان به عنوان استادان او ذکر شده است (مهدوی، ۱۳۷۰: ۸۷ و ۱۳۸۴، ج ۲: ۸۴۱؛ باقری بیدهندی، ۱۳۷۷: ۳۰-۳۵؛ طیبی، ۱۳۸۳: ۳۵). ذکر این اسامی عموماً بدون پرداختن به جایگاه علمی استادان و نحوه تعامل امین با آنان بوده است. این استادان عبارتند از:

- میرسید علی نجف‌آبادی اصفهانی (۱۳۲۶-۱۳۶۲ق/ ۱۲۸۷-۱۳۲۱ش) از استادان مکتب اصفهان در دوران مشروطه است. وی پس از فراگیری علوم اسلامی در حوزه نجف، در سال ۱۳۲۹ق. به اصفهان بازگشت (مهدوی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۸۱۹) و به تدریس پرداخت. افرادی همچون شیخ محمدتقی فشارکی (۱۴۰۵-۱۳۲۲ق)، حلقه وصل حوزه اصفهان با قم و جلال‌الدین همایی (۱۴۰۰-۱۳۱۷ق)، حلقه وصل حوزه اصفهان با تهران از شاگردان اویند.
- سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی (۱۲۷۲-۱۳۵۳ق) از

مدرّسان و فقهای اصفهان است. او از طریق پدر با آموزه‌های زهد و تقوای پیشگی و از طریق دایی خود، ملاّ محمدحسن با آموزه‌های فلسفی مکتب حکیم سبزواری آشنا شد (صدوقی-سها، ۱۳۵۹: ۱۲۵). همچنین از طریق حاج اسماعیل درب‌کوشکی، از مدرّسان برجسته فلسفه و عرفان در اصفهان، با اندیشه‌های ملاّصدرا آشنایی کامل یافت. وی به دو حوزه اخلاق و تفسیر توجه داشت و دو کتاب مستقل با نام‌های «جنت المأوی و الأخلاق» در حوزه اخلاق و کتاب «حاشیه بر تفسیر صافی ملاّمحسن فیض کاشانی» (۱۰۰۷-۱۰۹۱ق) را نگاشت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۳۵۶). این موضوع می‌تواند از زمینه‌های توجه بانو امین به این دو حوزه تلقی شود.

- میرزا علی‌آقا شیرازی (۱۲۹۴-۱۳۷۵ق) از علمای اخلاق و عرفان اصفهان است. او پس از تحصیل در اصفهان و سپس نجف، در سال ۱۳۲۳ق به اصفهان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر ساکن شد (ریاحی، ۱۳۸۵: ۲۵۱). تدریس و تحقیق او بر محوریت آموزه‌های نهج‌البلاغه بود. آیت‌الله حاج رحیم ارباب (۱۲۹۷-۱۳۹۶ق) و جلال‌الدین همایی (۱۳۱۷-۱۴۰۰ق) از شاگردان اویند.
- میرزا علی‌اصغر شریف (۱۳۸۴ق). از شاگردان سید محمدباقر درچه‌ای اصفهانی (۱۲۶۴-۱۳۴۲ق). (مهدوی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۳۱) و از مدرّسان سطوح در اصفهان بود (خلیلیان و منتظر القائم، ۱۳۸۵: ۱۵۵-۱۶۲).
- سید ابوالقاسم زفره‌ای، معروف به حاج آخوند (۱۲۶۰-۱۳۵۲ق) از مدرّسان سطح در مدرسه میرزا مهدی (مسجد المهدی) اصفهان بود. از این‌رو بسیاری از علمای اصفهان از محضر درس وی بهره برده‌اند.
- سید حسین نظام‌الدینی کجویی (۱۳۱۲-۱۴۰۳ق) مدّتی را در شهر اصفهان به تدریس پرداخت. او به دعوت آیت‌الله محمود شریعت‌ریزی به حوزه علمیه زرین‌شهر رفت و تا پایان عمر در این شهر به تدریس پرداخت. اطلاعات اندکی از او در منابع ذکر شده است. احتمال می‌رود مدرّس دروس سطح بوده و بانو امین نیز از او بهره برده است.

با تأمل در جایگاه علمی این اساتید و مروری بر حیات اجتماعی آن روزگار، این پرسش

مطرح خواهد شد که نحوه تعامل این اساتید و بانو امین به چه صورت بوده است. اغلب این استادان در مدرسه صدر در بازار اصفهان تدریس می‌کردند. این مدرسه حدود سال‌های ۱۲۲۹-۱۲۲۰ق به همت محمدحسین خان صدر اصفهانی، صدراعظم فتحعلی‌شاه قاجار برای طلاب مرد ساخته شد و تا روزگار امین نیز محل رجوع طلاب زن نبود. در زندگی‌نامه امین تصریح شده است که وی تحصیلات خود را پس از مکتب‌خانه، در منزل ادامه داد. با این حال تدریس خصوصی شخصیت‌های بزرگ در منزل، همچون میر سید علی نجف‌آبادی، سید ابوالقاسم بن محمدباقر دهکردی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی در آن روزگار رایج و مرسوم نبوده است. همچنین، ذکر نشدن نام امین ذیل شاگردان این افراد می‌تواند به این تردید دامن زند. علاوه بر آن، توجه به بافت تاریخی و موقعیت اجتماعی زنان و تحصیل آنها، موضوع ارتباط امین با این استادان برجسته را با تردید روبه‌رو خواهد کرد. برای پاسخ به این مسئله باید توجه داشت که تحصیل و آموزش می‌تواند به طرق مختلفی، همچون مطالعه و بررسی تقریرهای استادان یا مطالعه منابع و جلسات پرسش و بحث باشد. ضمن آنکه رجوع بانو امین به آنها، به شکل دوره‌ای و مطالعه منابع و ارشادات استاد می‌تواند شیوه دیگری از یادگیری را شامل شود.

درباره ذکر نشدن نام امین در فهرست شاگردان این اساتید، توجه به این نکته مهم است که درج نام زنان به عنوان شاگرد علمای برجسته، امری مرسوم نبوده و تنها نام شاگردان برجسته مرد در منابع ثبت می‌شده است. از این‌رو نباید درک متعارف کنونی خود را نسبت به وقایع در گذشته تعمیم داده، تصوّر کنیم که وضعیت و جایگاه اجتماعی زنان در گذشته نیز مانند وضعیت حال بوده است؛ موضوعی که ارتباط بانو امین با این اساتید و شاگردی از محضر ایشان را تقویت می‌کند، کسب مدارج عالیّه علمی آن روزگار توسط بانو امین است.

درباره فضای اجتماعی آن روزگار توجه به این موضوع مهم است که اصفهان، یکی از کانون‌های مهم آن زمان در توجه به موضوع آموزش زنان شناخته می‌شود (فرهمند، ۱۳۹۸: ۱۵۸-۱۶۲؛ معتمدی، ۱۳۸۶: ۱۹-۶۰). چندان که تبدیل شدن موضوع وضعیت آموزش زنان در ایران، پس از وقوع انقلاب مشروطه به مسئله‌ای ملّی بدل شد (ر.ک: بیطرفان و دیگران، ۱۳۹۶). ما با این واقعیت تاریخی روبه‌رویم که امین بدون تحصیل و علم‌آموزی از اساتید برجسته نمی‌توانسته به درجه بالای علمی در علوم اسلامی دست یابد. از این‌رو

می‌توان شیوة تعامل استاد و شاگردی را متناسب با وضعیت آن روزگار، به صورت‌های غیر مستقیم و معنوی نیز در نظر گرفت. گذشته از این، پیوند با اساتید نه‌چندان مشهور نیز می‌تواند با توجه به شأن خانوادگی و توجه پدر به آموزش او، موجه قلمداد شود. از این‌رو، می‌توان ارتباط میان بانو امین با این اساتید را امری ممکن در نظر آورد.

ارتباط دریافت اجتهاد با کتاب «أربعین»

تلاش و پشتکار بانو امین در کسب علوم اسلامی سرانجام سبب شد که او در صفر ۱۳۵۴ق/۱۳۱۴ش در سن چهل سالگی، موفق به اخذ اجازه از آیت‌الله محمدکاظم شیرازی (۱۲۹۲-۱۳۶۷ق) شود؛ اجازه‌ای که آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) نیز آن را تأیید کرد. در آن زمان، آیت‌الله شیرازی از علمای برجسته نجف و آیت‌الله حائری از علمای برجسته قم بودند و تأیید این دو شخص به معنای تأیید دو حوزه مهم شیعی است. در همین ایام، بانو امین توانست این اجازه را از آیت‌الله ابراهیم حسینی اسطهباناتی شیرازی (۱۲۹۷-۱۳۷۴ق) نیز دریافت کند. در منابع زندگی‌نامه‌ای امین، این دریافت اجازه را متأثر از نگارش کتاب «أربعین الهاشمیه» دانسته‌اند.

این کتاب به زبان عربی و با موضوع چهل حدیث از پیامبر^(ص) و ائمه اطهار است. مؤلف در بیان دلیل نگارش این اثر به حدیثی از پیامبر^(ص) اشاره کرده است که بر اساس آن، هر کس چهل حدیث را برای امت مسلمان حفظ کند که در امر دینشان به آن نیاز دارند، خداوند وی را در زمره صالحان محشور می‌کند و پیامبر نیز شفیع او خواهد بود (امین، ۱۳۶۵ق: ۶-۷).

محتوای این اثر در سه موضوع خداشناسی و توحید، روابط اخلاقی و فرامین الهی دسته‌بندی می‌شود. سبک این اثر، توضیحی است و نویسنده تلاش کرده است تا محتوای احادیث را به نحوی روشن و صریح توضیح دهد. متن کتاب اربعین، ترکیبی از بیان روایی- کلامی دارد که به دلیل ماهیت موضوع و بحث آن نمی‌توان جوانب و لطائف ادبی را از آن استخراج کرد. از منظر تحلیل درونی نیز رویکرد مؤلف اثر، صبغة تفسیر روایی دارد که به شکلی اجتهادی، روایات را تفسیر کرده است. از این‌رو این اثر، بیشتر فقه الحدیث است و متضمن ارائه رویکردهای دیگر در علم الحدیث یا اجتهاد فقی در درایه الحدیث نیست. بنابراین نمی‌تواند معیار دقیقی برای کفایت اجازه اجتهاد را به

دست دهد. اخذ اجازات در سنت شیعی مبتنی بر توانمندی‌هایی در حوزه‌های مختلف فقه و حدیث است و حتماً امین بر اساس دانشی بیش از آنچه در این اثر آورده، به دریافت اجازات از مراجع نائل آمده است.

اگرچه امین خود نیز متذکر می‌شود که پس از نوشتن این اثر، مراجع سؤالاتی را به صورت کتبی ارسال کردند که با پاسخ به آنها، موفق به دریافت درجهٔ اجتهاد شد (یادنامه، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۶)؛ اما این اثر در تاریخ هشتم محرم ۱۳۵۵ق/ دوازدهم فروردین ۱۳۱۵ش تألیف شده (امین، ۱۳۶۵ق: ۳۸۲) که همان سال در اصفهان (مطبعة المحمدیه) و سال بعد در کویت (مطبعة الرمیثیه) منتشر شد. بر این اساس تاریخ تألیف و انتشار این اثر به یک سال پس از دریافت اولین اجازهٔ امین بازمی‌گردد. در نتیجه، احتمالاً تنها قرابت زمانی انتشار اثر و دریافت اجازات، سبب طرح این ارتباط در منابع شده است.

علاوه بر این، نکته دیگری که از چشم زندگی‌نامه‌نویسان بانو امین مغفول مانده است، حضور او در این ایام در نجف است. ایشان خبر این سفر و حضور در نجف را در مقدمهٔ کتاب «مخزن اللثالی» ذکر کرده است. او در مقدمهٔ این کتاب اشاره می‌کند که «مخزن اللثالی» را بعد از سفر به نجف و نذرش نگاشته است (امین، ۱۳۷۱: ۲-۱). حضور او در نجف و ذکر نذر در مقدمهٔ این کتاب، بیانگر وجود موضوعی مهم در سیر زندگی او است. البته این زمان با شروع جریان کشف حجاب در اوایل دورهٔ پهلوی اول (حدود ۱۳۱۴ش) نیز مصادف است که طی آن، بانو امین مدتی را به قم سفر می‌کند. در زندگی‌نامه‌ها، گزارشی از سفر امین به نجف در دنبالهٔ سفر به قم ذکر نشده است، اما به لحاظ تاریخی، زمان نگارش اثر با وقایع بعد از کشف حجاب و سفر امین به قم و البته با دریافت اجازات اجتهاد قرابت دارد. از این‌رو، باید به ارتباط حضور او در شهرهای قم و نجف و دریافت اجازات از سوی علما توجه جدی کرد.

نیت امین در نذر هرچه بوده، او در سال ۱۳۶۰ق/ ۱۳۱۹ش، این نذر را با نگارش و انتشار کتاب «مخزن اللثالی» ادا می‌کند. البته با فرض ارتباط بین سفر امین به نجف با اخذ اجازات می‌توان بازهٔ تاریخی نگارش «مخزن اللثالی» را حدود سال‌های ۱۳۵۴ق (تاریخ دریافت اجازه) تا ۱۳۶۰ق (تاریخ انتشار قدیمی‌ترین نسخه) تعیین کرد. این کتاب به زبان فارسی و در بیان فضائل امیرالمؤمنین^(ع) در قالب یک مقدمه، پنج باب و

یک خاتمه است. محتوای کلی اثر شامل دو بخش عمده است: نخست، بیان فضیلت محبت به امام علی^(ع) و مقصود از آن؛ دوم، خصوصیات امام علی^(ع) و ذکر کراماتش. مؤلف در این اثر در کنار ذکر فضائل، کرامات، ملکات نفسانی و مواعظ امیرالمؤمنین^(ع)، به طرح مباحث عرفانی مرتبط با موضوع نیز پرداخته است. قدیمی‌ترین نسخه چاپ سنگی از این اثر در کتابخانه ملی با تاریخ کتابت ۱۳۶۰ق/۱۳۱۹ش و به قلم ابوالقاسم خوشنویس موجود است. با توجه به تاریخ کتابت این نسخه (۱۳۶۰ق) می‌توان این مطلب را به زندگی‌نامه امین افزود که او به فاصله حدود سال‌های ۱۳۵۴ق و ۱۳۵۷ق و تا پیش از ۴۵ سالگی به نجف رفته است.

در سال ۱۳۵۷ق، امین موفق به دریافت اجازه دیگری از آیت‌الله محمدرضا نجفی اصفهانی (۱۳۶۲-۱۲۸۷ق) شد (حسون و مشکور، ۱۳۷۹: ۷۴۸-۷۵۴؛ باقری، ۱۳۷۷: ۳۶؛ طیبی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۰). آیت‌الله اسطهباناتی از علمای نجف بود و این استمرار اخذ اجازه به معنای استمرار تأیید جایگاه علمی امین در پایگاه شیعی عراق است. متعاقب کسب این جایگاه علمی، بانو امین به افرادی همچون آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ق) در ۱۳۵۸ق، آیت‌الله سید عباس کاشانی (۱۳۰۹-۱۳۸۹ش) در ۱۳۸۱ق، خانم زینت‌السادات همایونی (۱۲۹۶-۱۳۹۵ش) در ۱۳۵۵ش و علّامه امینی^(ت) (۱۳۲۰-۱۳۹۰ق) اجازه روایت داده است (امین، ۱۴۳۹ق: ۴۲-۴۶؛ حسون و مشکور، ۱۳۷۹: ۷۵۴؛ یادنامه، ۱۳۷۱: ۶۸؛ طیبی، ۱۳۸۳: ۳۵).

دوم. پیوند وضعیت اجتماعی با آثار قلمی و اقدامات فرهنگی امین

این قسمت به چهار برهه تاریخی در زندگانی بانو امین اشاره دارد که در آنها، او اقدام به نگارش آثار متعدد و اقداماتی فرهنگی کرده که در تناسب و سنجیت کاملی با فضای اجتماعی خود دارد. درک فضای تاریخی- فرهنگی هر یک از این برهه‌ها به فهم بهتر ما از محتوای آثار و انگیزه اقدامات او کمک می‌کند.

بحران اجتماعی ایران در دهه ۱۳۲۰ش و لزوم توجه به معنویت و اخلاق

دهه ۱۳۲۰ش ایران را دوران قحطی و فقر فراگیر مردم ذکر کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱). وضعیت اسفبار این دهه در خاطرات روزانه برخی از مسئولان وقت حکومت (هوبدا،

۱۳۶۵: ۶۷-۶۸؛ زاهدی، ۱۳۸۱: ۳۴) و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ش) ثبت شده است. طبیعتاً از سوی دغدغه‌مندانی چون بانو امین، در برهه‌های رنج و سختی مردم و بهره‌مندی اندک از زیست مادی، پرداختن به جنبه‌های معنوی حیات انسان و لزوم توجه و پیروی از آنها می‌تواند برای حفظ ارزش‌های انسانی، مجرای سودمند باشد. به‌ویژه اینکه فقر و فقدان ضروریات زندگی، اگر با خویش‌داری و آگاهی به شئون متعالی انسانی همراه نباشد، به نابسامانی‌های اجتماعی بیشتری منجر می‌شود. از این‌رو امین در این ایام اقدام به نگارش چهار کتاب با رویکرد معنوی-عرفانی و اخلاقی کرد:

۱- کتاب «سیر و سلوک در روش اولیا و طریق سیر سعداء» به زبان فارسی که در قالب طرح پرسش‌هایی به بحث از سلوک عرفانی می‌پردازد. محتوای این کتاب بر اندیشه‌های انسان‌شناسانه امین استوار است. مؤلف، انگیزه نگارش این کتاب را آگاهی‌بخشی عمومی درباره حقیقت وجودی انسان و جایگاه و منزلت او معرفی می‌کند (امین، ۱۳۶۹: ب: ۱). رویکرد امین در این اثر، عرفانی است و به مراتب سلوک انسان برای رسیدن به جایگاه حقیقی اشاره دارد. سبک نگارش این اثر، توصیفی است و نویسنده نظرهای خود را درباره سیر و سلوک در قالب استعارات کلامی (همچون: کارخانه هستی، لذت قوای خمسه، خوش مسلک بودن، تالو علوم در قلب و مانند آن) بیان کرده است تا مخاطب با جنبه‌های باطنی حیات انسان، بهتر ارتباط برقرار کند. امین در این اثر، جوانب سلوک انسانی را مبتنی بر شرع و با بیانی عرفانی برای مخاطب خود توصیف می‌کند. از همین‌رو بیان او مشحون از استعارات کلامی خاص متون عرفانی است.

با این حال او کوشیده است تا این بیان استعاری را با تکیه و اشاره به آیات قرآنی و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) به سبک ایجابی نیز نزدیک کند. به این معنا که مضمون کلام او، رساندن مخاطب به قبول ضرورت سلوک به عنوان رویه‌ای دینی است که افراد به دلیل پیروی از اولیای الهی، باید به آن اهتمام ورزند. به عبارت دیگر او سبک توصیفی و بیان استعارات را برای تحقق وجه ایجابی که در خلال مطالب بر آن تأکید می‌کند و در انتهای اثر بدان رسیده، به خدمت گرفته است. در انتهای این اثر نیز توضیحی درباره اسماء الحسنی الهی (۹۹ اسم) آورده است. تاریخ نگارش این کتاب بنا بر درج مؤلف در پایان اثر، شنبه دوم رجب ۱۳۶۳ق/ سوم تیر ۱۳۲۳ش و در ۴۹ سالگی اوست (امین، ۱۳۶۹: ب: ۳۵۸).

۲- کتاب «معاد یا آخرین سیر بشر» به زبان فارسی و با مشربی معرفتی- عرفانی به موضوع لزوم توجه به حیات اخروی و غایت معنوی انسان نگاشته شده است (امین، ۱۳۸۷: ۱۴). این اثر مشتمل بر نه مقاله است و رویکرد حاکم بر آن را می‌توان حکمت اسلامی دانست که آمیزه‌ای از فلسفه، عرفان و شریعت بوده و نمود اعلای آن در حکمت صدرایی قابل مشاهده است. سبک نگارش این اثر به دلیل مقالات متعدد، متفاوت است. با این حال وجه قالب محتوای مقالات، بیان علمی و زبان فنی با رویکرد عرفانی است؛ زیرا امین در این اثر کوشیده است تا مسئله و چارچوب هر مقاله را به شکلی روشن و دقیق برای مخاطب خود اظهار دارد. متن مقالات به دلیل تبیین مباحث فلسفی عرفان، متضمن بیانی عرفانی، اما با چارچوبی فلسفی است. از این‌رو صورت‌بندی محتوا، منطقی و کمتر استعاری و تمثیلی است. به دلیل این ویژگی‌ها می‌توان کلیت سبک اثر را توضیحی دانست که می‌کوشد اطلاعات متعددی را در حوزه‌ی جوانب مختلف عرفان به مخاطب خود ارائه کند. این اثر، اولین بار در سال ۱۳۲۶ ش در چاپخانه‌ی پاکتچی تهران منتشر شد.

محتوای دو اثر یادشده (سیر و سلوک و معاد)، قرابت‌های بسیاری با یکدیگر دارند و بر جایگاه حقیقی و سیر معنوی انسان تأکید می‌کنند. با این حال کتاب «سیر و سلوک»، بیان سیر معنوی با رویکردی فلسفی- عرفانی است و از ظرایف ادبی در بیان نظرهای عرفانی بهره برده است. اما کتاب «معاد»، بیان سیر و غایت انسان از منظری دینی و با رویکردی حکمی است و غلبه‌ی تعالیم شریعت و فرایندهای مبتنی بر آن را بر رویکرد عرفانی و مراتب معنوی نشان می‌دهد. از این‌رو آن ظرایف بیان در طرح مباحث عرفانی را ندارد. ورود بانو امین به مباحث عرفانی و معنوی در این دهه و با این دو اثر بوده است که نشان از تغییر رویکرد او در مقایسه با دو اثر قبلی وی با رویکرد حدیثی دارد.

۳- کتاب «اخلاق و راه سعادت بشر» به زبان فارسی در حدود ۵۴ سالگی مؤلف (۱۳۲۸ ش) نگارش یافته است. این کتاب تلخیصی از کتاب عربی «تَهْذِيبُ الْأَخْلَاقِ وَ تَطْهِيرُ (یا طَهَارَةُ) الْأَعْرَاقِ» ابوعلی احمد بن محمد مسکویه رازی (۴۲۱ ق) است. ابن مسکویه در این اثر با رویکرد فلسفی (با صبغه‌ی ارسطویی) به تبیین مبانی اخلاق پرداخته است (حکمت، ۱۳۸۳، ج ۸: ۷۰۱). امین که این کتاب را به دلیل دغدغه‌اش درباره

پرداختن به موضوع اخلاق تلخیص کرده، در مقدمه اثر می‌گوید که با مطالعه این کتاب (طهارة الأعراق)، مجذوب اندیشه‌های مؤلف شده و دریغ دانسته که محتوای ارزشمند آن را بر دیگر علاقه‌مندان ارائه نکند. پس از تلخیص کتاب (طهارة الأعراق)، آن را ترجمه کرده و مطالب و توضیحات خود را به صورت حاشیه نگاشته است (امین، ۱۳۶۹ الف: ۲). با توجه به رویکرد امین در این اثر، نمی‌توان آن را جزء ترجمه‌های دقیق بر طهارة الأعراق دانست (حکمت، ۱۳۸۳، ج ۸: ۷۰۱)، هرچند تلخیصش از نظر انتقال مفاهیم، بسیار سودمند است (امامی، ۱۳۷۵: ۲۶).

محتوای این اثر در بخش ترجمه، متأثر از متن کتاب اصلی، توضیحی است؛ اما در حاشیه‌های متن، منظر ایجابی را نیز دنبال کرده است. به این معنا که با بیان توضیحی در حاشیه با قصد ایجاب مخاطب می‌کوشد تا از طریق توضیحات تکمیلی (که بیانی بیشتر علمی و فلسفی دارد)، مخاطب را در پذیرش مطالب اصلی کتاب قانع سازد. کلیت متن اثر، رسمی است و ظرافت‌های ادبی و استعارات آثار عرفانی در آن کمتر به چشم می‌خورد. قدیمی‌ترین نسخه موجود از کتاب «اخلاق» امین را چاپخانه امامی اصفهان در تاریخ اردیبهشت ۱۳۲۸ش/ رجب ۱۳۶۸ق منتشر کرده است.

۴- کتاب «النفحات الرحمانية في الواردات القلبية» به زبان عربی که یکی از مهم‌ترین آثار عرفانی امین است و در آن، به حالات و تجارب عرفانی و معنوی خود اشاره کرده است. دلیل نگارش این اثر، ثبت احوال و واردات و در خاطر سپردن آنها برای مؤلف ذکر شده تا به واسطه آن، توجه مداوم به حق تعالی را در وجودش بیوراند و شکرگزار آنها باشد (امین، ۱۴۳۹ق: ۵۷). محتوای کتاب مشتمل بر ۵۶ نفحه رحمانی در بیان مباحث عرفان نظری و دلالت‌های مهم آن برای سالک است. متن اثر، روان است و علی‌رغم محتوای عرفانی و فلسفی، بیانی صریح و کمتر پیچیده دارد و به صورت تعاملی و گفت‌وگویی میان نویسنده و مخاطب نگاشته شده است. تا آنجا که امین در ضمن توضیحات خود و تردید از ابهام در ذهن مخاطب، آن را با عبارت «إياك أن تنتج من كلماتي نتيجة سوءٍ و توهّم أنّ قولي...» ابراز داشته است (همان: ۶۱).

سبک نگارش این اثر، توضیحی و توصیفی است و دغدغه نویسنده آن، انتقال تجارب و تبیین مبانی مبتنی بر آنهاست. در بیان برخی تجارب معنوی خود نیز به

الگوی روایی و توصیف موقعیت خود نیز نظر داشته است (امین، ۱۴۳۹ق: ۶۳، ۱۳۰-۱۳۱). علی‌رغم پیچیدگی‌های کلامی در موقعیت‌های مکاشفه توسط فرد، امین این موقعیت‌ها را بسیار سلیس و به دور از تکلف و پیچیدگی توصیف کرده که سبب می‌شود برای مخاطب اثر قابل فهم باشد (همان: ۱۴۰). ضمن آنکه از عمق تجربه معنوی نویسنده نزد مخاطب کاسته نمی‌شود.

امین در این اثر، ورود برخی حالات معنوی خود را نیز با ذکر تاریخ ثبت کرده (از نفعه سیزدهم به بعد) که قدیمی‌ترین آن مربوط به سی‌سالگی او است. با این حال نشر این اثر به‌نوعی اتخاذ رویکردی نو و اعلان رویه‌ای خاص در مشرب فکری و آثار اوست. تألیف این اثر در دوران پختگی امین (حدود ۵۵ سالگی) بوده و ذکر تجارب مربوط به ادوار متقدم‌تر حیات معنوی او نیز با درایت نگاشته شده است.

تاریخ اتمام نگارش اثر را مؤلف در پایان متن، ۱۳۶۹ق/۱۳۱۹ش ذکر کرده است (همان: ۳۲۸). البته در معادل‌گذاری تاریخ شمسی، خطایی رخ داده است؛ زیرا تاریخ اتمام نگارش اثر در نهم رجب ۱۳۶۹ق بوده که معادل با هفتم اردیبهشت ۱۳۲۹ش است. با توجه به دقت ثبت تاریخ قمری در اثر (بیان روز و ماه) و پرهیز از اعمال این دقت در درج تاریخ شمسی و همچنین تاریخ انتشار قدیمی‌ترین نسخه موجود از کتاب به صورت چاپ سربی و در تاریخ ۱۳۶۹ق در دو شهر اصفهان (مطبعة المحمدیه) و تهران (مکتبه مصطفوی)، می‌توان تاریخ قمری را دقیق‌تر دانست که معادل سال ۱۳۲۹ش است.

پایان دهه ۱۳۲۰ش، مصادف با جریان ملی شدن صنعت نفت در اسفند ۱۳۲۹ش است؛ واقعه‌ای که کل کشور را تحت تأثیر قرار داد. در اصفهان، سید حسن چهارسوقی به نمایندگی از هیئت علمی این شهر بر لزوم ملی شدن صنعت نفت فتوا داد (روضاتی، ۱۳۳۲: ۳۱-۳۲). این فتوا، تأثیر گسترده‌ای در شهر اصفهان داشت. کتاب «نفحات الرحمانیه» در اردیبهشت این سال منتشر شد. از این‌رو نگارش آن را باید ایام قبل‌تر از این سال دانست. با این حال نباید از زمینه‌ها و جریان‌های اجتماعی که در نهایت منجر به رویداد تاریخی می‌شوند (ملی شدن صنعت نفت)، غافل بود؛ جریان‌هایی که به شکلی تدریجی و در طول زمان استمرار یافته، سرانجام در زمانی خاص محقق می‌شوند. به طور

کلی باید بحث فراگیر فقر و تحولات سیاسی-اجتماعی اواخر این دهه را بافت تاریخی تألیف «النفحات» و ورود رسمی بانو امین به تألیف با مشرب عرفانی دانست.

کنشگری فرهنگی در دهه ۱۳۳۰ش و ابهام در زمینه تاریخی یک اثر

در منابع زندگی‌نامه‌ای، فعالیت‌های امین درباره موضوع نحوه حضور اجتماعی زنان (حجاب) ذیل انتشار کتاب «روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی» مطرح شده است. این کتاب به زبان فارسی با مخاطب قرار دادن جامعه زنان مسلمان به موضوع خوشبختی حقیقی و راه‌های رسیدن به آن می‌پردازد. امین یادآور می‌شود که هرچند ارکان سعادت حقیقی بر دو سطح مادی و معنوی استوار است، خوشبختی حقیقی در باطن افراد و مبتنی بر اموری فراتر از حیات دنیوی است (امین، ۱۳۹۲: ۲-۳). بنابراین مباحث این اثر بر مشرب عرفانی و توجه بر باطن امور استوار است. متن این اثر متناسب با رویکرد خطابی به صورت گفت‌وگو و سخنرانی است و در جمله‌ها و عبارات آن، وجه خطابی دارد؛ برای مثال کاربرد واژگان و عباراتی همچون: باید دانست، آیا هیچ فکر کرده‌اید، کسی که در این مطلب دقیق شود و... البته در قسمت‌هایی از متن، ضرورت یک ویراستاری فنی‌تر نیز احساس می‌شود. محتوای کلی متن نیز توضیحی است و می‌کوشد تا با ذکر دلایل و توضیحات برای مخاطب خود، مخاطب خویش را نسبت به دغدغه اصلی اثر (شان و جایگاه زن مسلمان) مجاب کند. از مسائل عمده و مهم این کتاب، حقوق و تکالیف زنان و بحث درباره حجاب است که با ارجاع به تعالیم اسلامی همراه شده است.

در زندگی‌نامه‌ها، زمانه نگارش این اثر را مربوط به اوج گرفتن جریان‌های ضد حجاب در اصفهان در دوران پهلوی اول (حدود سال‌های ۱۳۱۰ش) دانسته‌اند. همچنین زمینه نگارش آن را نیز مقابله با آرای روشن‌فکری و ضد حجاب در جامعه آن روزگار و به‌ویژه ترویج آرا و اندیشه‌های صدیقه دولت‌آبادی در «شرکت خواتین اصفهان» و دفاع از معیارها و موازین شرعی معرفی کرده‌اند. به این نحو که امین با سخنرانی در جلسات مذهبی زنان و تأسیس «کانون تعلیمات و تبلیغات دینی بانوان اصفهان» و نگارش کتاب «روش خوشبختی» به شبهه‌افکنی‌های دولت‌آبادی و هم‌فکرانش پاسخ گفت. در نتیجه این اقدامات، شرکت مزبور و روزنامه زبان زنان (متعلق به این جریان) تعطیل شد و

دولت‌آبادی، شهر را ترک کرد (طیبی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۹). بررسی درستی این اقوال نیازمند تأملی تاریخی دربارهٔ این حوادث و تاریخ نگارش این اثر است که در سه سطح به آن خواهیم پرداخت.

الف) صدیقه دولت‌آبادی از پیشگامان جنبش زنان، برای نخستین بار در اصفهان در سال ۱۲۹۵ش، مدرسهٔ دخترانهٔ «مکتب خانه شرعیات» را با هدف سوادآموزی دختران تأسیس کرد که پس از چندی به دلیل مخالفت برخی از روحانیون تعطیل شد (۲۱ سالگی بانو امین). او همچنین در تأسیس مدرسهٔ «ام المدارس» در اصفهان در سال ۱۲۹۶ش نیز نقش داشت (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۱: ۵۱). دولت‌آبادی در سال ۱۲۹۶ش (۲۲ سالگی بانو امین)، «شرکت خواتین اصفهان» را به صورت تعاونی و با استفاده از سرمایه زنان تشکیل داد. این شرکت، سه کارگاه کوچک بافندگی برای زنان در یزد، کرمان و اصفهان دایر کرد که هدف آن، ترویج تولید و استفاده از پارچه‌های داخلی و نیز جلوگیری از ازدواج دختران پیش از پانزده‌سالگی بود (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۶ «پیشگفتار صنعتی»). دولت‌آبادی در سال ۱۳۰۰ش به تهران مهاجرت کرد. باید وقوع کودتای رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ش و سید ضیاءالدین طباطبایی و تغییرات ناشی از آن در کشور را یکی از زمینه‌های مهاجرت دولت‌آبادی به تهران در نظر گرفت.

با رفتن دولت‌آبادی به تهران، روزنامهٔ زبان زنان نیز به تهران منتقل شد. این روزنامه، سومین نشریهٔ ویژه زنان و نخستین نشریه‌ای بود که در عنوان آن، واژهٔ «زنان» ذکر شد. همچنین نخستین نشریهٔ سیاسی زنان نیز محسوب می‌شد که به دلیل طرح مواضع سیاسی - اجتماعی بارها توقیف شد (همان: ۲۵۹). دفتر این روزنامه نخست در مدرسهٔ «ام المدارس» اصفهان بود و پس از تعطیلی مدرسه، به قصر اجلال السلطنه (شمس‌آباد) منتقل شد (کیهانی، ۱۳۷۱: ۷۵). با مهاجرت دولت‌آبادی به تهران در سال ۱۳۰۱ش، سیاست روزنامه نیز تغییر کرد و به مجلهٔ بدل شد (بیات و کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۸۲). این تغییر به دلیل غلبهٔ جو فرهنگی - مذهبی بر آرای متجدد دولت‌آبادی در اصفهان بود.

همچنان که بخشی از محتوای نامهٔ ممتازالدوله (۱۲۵۳-۱۳۱۱ش)، وزیر معارف وقت (در ۱۳۰۰ش) در دورهٔ اولین نخست‌وزیری احمد قوام، به متناسب نبودن محتوای روزنامه زبان زنان با وضعیت اجتماعی شهر اصفهان اشاره دارد: «اگر می‌توانید، این طفل

نوزاد [روزنامه] را پایه دار کرده تا به حدّ رشد برسانید، در انتشارش کوشش کنید؛ و الاّ این اقدام را به وقت موافق تر موکول و [روزنامه] زبان زنان را در شهر آزادتری به چاپ برسانید» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۲۰-۳۲۱). درباره تعطیلی «شرکت خواتین اصفهان» نیز به نظر می‌رسد که فعالیت بنگاه‌های اقتصادی دولت‌آبادی پس از رفتن وی به تهران و تأسیس «شرکت آزمایش بانوان» تا سال ۱۳۰۳ ش ادامه داشت (مجتبی، ۱۳۲۵: ۹۱-۹۲؛ به نقل از: آبادیان و صفری، ۱۳۹۳: ۳).

دولت‌آبادی طی سال‌های ۱۳۰۲-۱۳۰۶ ش در اروپا مشغول به تحصیل بود و پس از بازگشت، در محافل بدون حجاب ظاهر شد. ورود وی به مناصب دولتی از مهر ۱۳۰۷ ش آغاز شد که ابتدا با سمت «نظارت تعلیمات نسوان» و سال بعد در سمت «مدیریت کل تفتیش مدارس نسوان» به استخدام وزارت معارف و اوقاف درآمد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۶). شروع جریان‌های مربوط به غربی‌سازی جامعه ایران در دوره پهلوی اول، به دهه ۱۳۱۰ ش بازمی‌گردد که زمینه‌های ارتباط با غرب و جریان‌های غربی‌سازی به عنوان راه‌حل تغییرات در ایران در نظر گرفته شد. در تحولات مربوط به جامعه زنان در این دوره، در اردیبهشت ۱۳۱۴ ش به دعوت وزیر معارف وقت، آقای علی‌اصغر حکمت (۱۳۵۹-۱۲۷۲ ش)، قانونی برای گردهمایی بانوان تجدّدگرا با نام «کانون بانوان» تشکیل شد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۳) که ریاست آن یک سال بعد (۱۳۱۵ ش) بر عهده دولت‌آبادی گذاشته شد (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۱: ۹۱). در همان سال (۱۷ دی ۱۳۱۴) بود که قانون ممنوعیت حجاب به همه نهادهای کشور اعلام و لازم‌الاجرا شد (مرکز بررسی اسناد، ۱۳۷۸: «هشتادودو»). این ایام مصادف با دریافت اجازات بانو امین از علمای نجف است.

ب) بررسی «کانون تعلیمات و تبلیغات دینی بانوان اصفهان» نیز مستندات سودمندی را به دست می‌دهد. این کانون را خانم فخرالسّادات ابطحی^(۳) در سال ۱۳۵۳ ش تأسیس کرد که به اشتباه در برخی منابع (طیبی، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۹) به خانم امین نسبت داده‌اند. در اسناد ساواک، خانم ابطحی، «مسئول و اداره‌کننده کانون» معرفی شده است (همان، ۱۳۸۲: ۲۸۹). کانون مزبور در سال ۱۳۷۶ ش به مدرسه علمیّه حضرت فاطمه محدّثه^(س) تغییر نام داد و زیر نظر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران قم قرار گرفت (یادنامه، ۱۳۹۲: ۱). در یادنامه مؤسس این مدرسه، اخباری مربوط به فعالیت‌های فرهنگی-اسلامی در

مقابله با جریان‌های غرب‌گرایی، بدون ذکر تاریخ دقیق درج شده است. این اخبار، وقایع مربوط به فعالیت‌های بانو امین دربارهٔ حجاب را تشریح می‌کند.

با گسترش رویکردهای تجددخواهانه زنان که محلّ ابراز عقیده و رفتار آنها در خیابان چهار باغ اصفهان بود، کانون مستقلی برای زنان مسلمان با نام «کانون جهان اسلام» در خیابان آمادگاه اصفهان تشکیل شد. با توجه به اقدامات این کانون، ساواک آن را تعطیل کرد. از این‌رو بانو امین که مسئولیت این کانون را برعهده داشت، دفتر دیگری در خیابان اردیبهشت دایر می‌کند. «کانون جهان اسلام»، مرکز تأکید بر حجاب اسلامی و مخالفت با جریان بی‌حجابی در اصفهان بود (یادنامه، ۱۳۹۲: ۵).

ج) قدیمی‌ترین نسخه از کتاب «روش خوشبختی» به تاریخ ۱۳۷۹ق/۱۳۳۸ش در کتابخانه ملی موجود است (ر.ک: امین، ۱۳۷۹ق). البته این نسخه، چاپ چهارم کتاب است و با فرض انتشار سالانه، می‌توان تاریخ انتشار را تا سال ۱۳۷۵ق/۱۳۳۴ش عقب برد. دههٔ ۱۳۳۰ش، دورهٔ پهلوی دوم و تحولات اجتماعی است که ناسازگاری‌های بسیاری با وضعیت فرهنگی - دینی جامعه داشت. در یکی از اسناد منتشرشده از ساواک اصفهان به تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۳۶، به رشد فعالیت‌های فرهنگی - دینی با محوریت جلسات خانم فخرالسادات ابطحی اشاره شده است. او به همین دلیل نیز ممنوع‌المنبر شده بود (مرکز بررسی اسناد، ۱۳۸۲: ۲۸۹). وقایع این دهه که متناسب با تاریخ قدیمی‌ترین نسخه از کتاب امین است، با محتوای کتاب «روش خوشبختی»، سازگاری کامل دارد.

با کنار هم قرار دادن این سه دسته از مستندها می‌توان نتیجه گرفت که گفتار زندگی‌نامه‌نویسان امین به واسطهٔ برخی مشابهت‌ها در اسامی و قرابت‌های وقایع با نوعی خلط و ادغام همراه شده است. همچنان که عنوان «کانون تعلیمات و تبلیغات دینی بانوان اصفهان» با «کانون جهان اسلام» که بانو امین مدیر آن بوده و در آن فعالیت داشته، اشتباه شده است. در منابع، نام مؤسس «کانون جهان اسلام» ذکر نشده است. احتمالاً سخنرانی‌های امین دربارهٔ زن و جایگاه حقیقی او از منظر اسلام در این کانون ایراد شده و پس از تدوین و انتظام به شکل کتاب منتشر شده است. بر این اساس دو بازهٔ تاریخی در روایت زندگی‌نامه‌ها از بانو امین با یکدیگر خلط شده‌اند و سبب شده که تاریخ تألیف کتاب «روش خوشبختی» با ابهام روبه‌رو شود:

- یکی از مقاطع مهم، مقابله فرهنگی در اصفهان در برابر جریان تجددگرایی متعلق به حدود سال ۱۳۰۰ش است که تلاش‌هایی برای تحصیل زنان و استقلال آنها صورت گرفت که با واکنش جو دینی- فرهنگی، به تعطیلی مدارس انجامید. صدیقه دولت‌آبادی با وقوع تحولات جدید کشور به تهران مهاجرت کرد و روزنامه «زبان زنان» نیز به صورت مجله به تهران منتقل و منتشر شد.
- بازه دوم تاریخی متعلق به جریان‌های اسلامی در برابر جریان‌های تجددخواهی در اصفهان است که بر مسئله حجاب و نقش زنان تأکید دارد. این بازه زمانی مربوط به دهه ۱۳۳۰ش است که بانو امین، سخنرانی‌هایی را درباره زنان ایراد کرده است. ابطحی فعالیت «کانون جهان اسلام» را در بازه زمانی ۱۳۴۰-۱۳۵۵ش عنوان کرده است (ابطحی، ۱۳۹۷: ۱۹۸)، اما با توجه به محتوای کتاب «روش خوشبختی» (سخنرانی) و تاریخ نشر قدیمی‌ترین نسخه موجود از آن (حدود ۱۳۳۴ش)، باید فعالیت‌های غیر رسمی این کانون را پیش از این تاریخ دانست. در نتیجه تاریخ سخنرانی‌های بانو امین و چاپ اثر در دهه ۱۳۳۰ش صورت گرفته است.

توجه به آموزش در دهه ۱۳۴۰ش و نگارش تفسیر قرآن

دهه از تاریخ ایران شاهد رشد فراگیر جریان‌های فکری در جامعه است. بانو امین نیز پس از گذشت شش دهه از حیات خود بر موضوع انتقال دانسته‌ها متمرکز شد و در این ایام بر آموزش همت گماشت که مشتمل بر اقدامات قلمی و اجتماعی در امر آموزش بود. الف) اقدامات قلمی. بانو امین پس از گذشت شش دهه از زندگی خود بر موضوع انتقال دانسته‌ها متمرکز شد و در این ایام بر آموزش آگاهی‌ها همت گماشت که ثمره تألیفی آن، تفسیر قرآن او بود. کتاب «مخزن العرفان در تفسیر قرآن» در پانزده جلد به زبان فارسی و در توضیح و تفسیر آیات قرآن کریم با مشرب حکمی و عرفانی است. با نگارش این اثر، امین اولین مفسر زن قرآن کریم است که با مشرب عرفانی، تمام قرآن را تفسیر کرد. او در مقدمه جلد اول می‌گوید که با وجود دشواری‌ها و مسئولیت خطیر تفسیر قرآن کریم، سعی کرده به حد بضاعت و با رعایت توصیه‌های ائمه معصومین، به این امر خطیر همت گمارد تا به این واسطه از مفسران و متدبران در قرآن کریم محسوب شود (امین، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲).

در این اثر، رویکرد عرفانی مؤلف، برجسته و مشهود است و صبغهٔ انسان‌شناسی عرفانی و منظر کاربردی مفاهیم قرآن در استکمال و رشد انسان غلبه دارد. اهمیت این تفسیر در کنار ویژگی‌های متعدد، از آن‌رو است که جامع رویکردهای بانو امین به مسائل مختلف است. همچنین از آن جهت که آخرین اثر او است (با توجه به تاریخ خاتمه)، نهایی‌ترین نظرها و افکار امین را در خود دارد.

سبک نگارش این اثر، توضیحی است و با رویکرد اجتهادی تألیف شده است. البته در محتوا، نویسندگان از اسلوب‌های مختلف بیانی نیز بهره برده است. زبان اثر حتی در بیان مطالب فلسفی و عرفانی، نثری کاملاً روان دارد و در موارد متعدد از اشعار شعری هم‌چون مولانا و حافظ نیز بهره برده است (امین، ۱۳۶۱، ج ۶: ۲۴۸ و ۲۶۲، ج ۱۳: ۴۸ و...). از نظر توجه به اسلوب بلاغت، بانو امین در تفسیر خود به قواعدی هم‌چون کنایه (همان، ج ۱: ۲۲۳-۲۳۳)، التفات (همان: ۵۲-۵۳)، کنایه (همان: ۴۰۷-۴۰۸) و تشبیه (همان، ج ۲: ۴۰۰) فراوان پرداخته است. در کاربرد علم بدیع نیز این اثر، موارد فراوانی را در خود جای داده است (همان: ۲۳ و ۲۵۹). خصیصهٔ برجستهٔ این تفسیر در دغدغهٔ اصلی نویسنده در انتقال پیام قرآن به مخاطب عامه نهفته است که صورت‌بندی زبانی و بیانی آن را آشکار می‌کند. روانی، سادگی متن، بیان توضیحات صریح و به‌کارگیری مثال‌های شعری از یکسو و همچنین بیان عرفانی به منظور تبیین ضرورت عمل عارفانه برای تحقق غایت معنوی از سوی دیگر، این اثر را به عنوان یکی از تفاسیر عرفانی متأخر با رویکرد تعمیم‌باور دینی به عامه، ممتاز می‌کند.

تاریخ اختتام نگارش جلد اول این تفسیر، ۱۱ ذیحجه ۱۳۷۶ ق/ ۱۹ تیر ۱۳۳۶ ش در ۶۱ سالگی مؤلف است. این تاریخ با قدیمی‌ترین نسخه موجود از این اثر که چاپخانهٔ محمدی در اصفهان توزیع کرده، مطابقت دارد. جلد‌های دیگر این تفسیر در سال‌های بعد و به صورت غیر منظم به چاپ رسید^(۴). آخرین جلد این تفسیر (جلد پنجم) در تاریخ ششم محرم ۱۳۹۴ ق/ دهم بهمن ۱۳۵۲ ش نگارش یافته است. اگرچه این اثر از حیث ابتدا متعلق به دههٔ ۴۰ ش. نیست؛ اما در پیوند با اقدامات آموزشی امین در این دهه قرار دارد. از همین‌رو، در ذیل مباحث مرتبط با این دهه بیان شده است.

کتاب «جامع الشتات»، اثری دیگر از امین به زبان عربی است که در آن، بخشی از مکتوبات حول پرسش و پاسخ‌های علمی امین با شخصیت‌های مهم روزگار خود ثبت

شده است. عنوان «جامع الشتات» به معنای جامع متفرقات و با محوریت سؤال و جواب حول مسائل فقه جعفری، در فرهنگ شیعی با کتاب ملا محمدحسن قمی، معروف به محقق قمی (۱۲۳۱-۱۳۵۰/۵۳ق) شهرت دارد که درباره فقه استدلالی نگاشته شده است. نام کامل اثر محقق قمی، «جامع الشتات فی أجوبه السؤالات» است و نام مختصر کتاب امین به صورت جامع الشتات احتمالاً از این اثر اخذ شده است؛ زیرا هم در صورت (به شکل پرسش و پاسخ) و هم در محتوا (عمدتاً مسائلی در فقه) به آن شباهت دارد.

شیخ مرتضی مظاهری نجفی (۱۲۷۷-۱۳۶۸ش)، جمع‌آوری، ترتیب‌بندی و صورت‌بندی این اثر را انجام داده است. تاریخ نگارش این اثر طبق ذکر مؤلف، ۲۲ محرم ۱۳۸۵ق/ ۳ خرداد ۱۳۴۴ش است (امین، ۱۳۴۴: ۱۵۸). این اثر به لحاظ محتوا مشتمل بر مکتوبات و نظرهای امین حول مسائل مختلف در گذشته است.

ب) اقدامات اجتماعی. امین به سبب جایگاه ویژه در حوزه علوم اسلامی و دغدغه انتقال معارف دینی و البته به پیشنهاد دوست و شاگرد خود، خانم زینت‌السادات همایونی، اقدام به دریافت مجوز تأسیس مدرسه دینی بانوان کرد. تاریخ تأسیس این مدرسه در منابع ۱۳۴۴ش ذکر شده است (طیبی، ۱۳۸۳: ۱۲۶؛ یادنامه، ۱۳۷۱: ۳۵). این مجوز به دلیل نبودن سابقه مدرسه دینی بانوان در اصفهان، با نام «کلاس قرآن و رساله» صادر شد. سپس بانو امین، بنایی را برای مدرسه در مجاورت مسجد سید، از بناهای تاریخی اصفهان در محله بیدآباد، خرید و مدیریت مدرسه و امور مربوط به آن را به خانم همایونی واگذار کرد. خانم همایونی نیز با الهام از برنامه درسی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، برنامه درسی این مدرسه را تنظیم کرد (طیبی، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۳۴).

در همین ایام، بانو امین، اقدام به تأسیس دبیرستانی در شهر اصفهان کرد. او در تاریخ ۱۳۴۵/۰۵/۱۵ طی نامه‌ای از اداره آموزش و پرورش استان اصفهان، مجوزی برای تأسیس دبیرستانی با نام «مکتب فاطمه^(س)» درخواست کرد. در این نامه، او انتخاب مدیر مسئول دبیرستان را به آن اداره واگذار کرده است. شورای عالی فرهنگ نیز در تاریخ ۱۳۴۵/۰۸/۲۹ش (جلسه ۱۱۳۰)، مجوز این دبیرستان را با نام «امین» صادر کرد و مسئولیت آن را به بانو امین واگذارد. با این حال در مکاتبه‌های بعدی با این دبیرستان در تاریخ ۱۳۴۹/۰۷/۳۰ش از او خواسته شد تا خانمی را از این مجموعه با مدرک

کارشناسی که در استخدام آموزش و پرورش باشد، به عنوان مدیر مسئول به آموزش و پرورش معرفی کند. این موضوع به دلیل شرایط و اوضاع آن زمان، با مخالفت بانو امین روبه‌رو شد. با توجه به شأن علمی و جایگاه او در اصفهان، اداره آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۴۹/۱۲/۱۲ ش طی نامه‌ای از دبیرخانه شورای عالی فرهنگ درخواست کرد که مجوز به نام بانو امین صادر شود (اسلامیت، ۱۳۸۹: ۱۰). امین پس از وقوع انقلاب ۱۳۵۷، این مدرسه را به آموزش و پرورش اهدا کرد.

پیروزی انقلاب و مشارکت در بازسازی ایران در اواخر دهه ۱۳۵۰ش

یکی از برجسته‌ترین اقدامات فرهنگی بانو امین پس از انقلاب در کنار فعالیت‌های آموزشی و ترویجی پیشنهاد تأسیس انجمنی برای حمایت از کودکان و خانواده‌های بی‌سرپرست در اصفهان بود که در خرداد ۱۳۵۹ با همت او و افرادی خیر محقق شد. این انجمن با ایجاد ظرفیت‌های حمایتی برای افراد نیازمند در قالب خانه‌سازی، مدرسه‌سازی و خدمات فرهنگی اقدام کرد. بانو امین در ۲۳ خرداد ماه سال ۱۳۶۲ش (اول رمضان ۱۴۰۳ق) پس از سال‌ها مجاهده، تحقیق و تدریس در علوم اسلامی، در سن ۸۸ سالگی درگذشت و در قبرستان تخت فولاد اصفهان و در بقعه خانوادگی به خاک سپرده شد (حسون و مشکور، ۱۳۷۹: ۷۴۸؛ طیبی، ۱۳۸۳: ۲۶). پس از درگذشت بانو امین، این نهاد خیریه، آثار بانو امین را مجدداً منتشر کرد تا عواید آن صرف امور و اقدامات این مرکز شود (عموخیلی، ۱۳۷۹: ۱۴۰-۱۴۲).

گاه‌شمار حیات و آثار بانو نصرت امین

تاریخ	سن (شمسی)	رویداد
۱۳۱۲ق/ ۱۲۷۴ش	—	تولد
۱۳۱۶ق/ ۱۲۷۸ش	۴ سالگی	رفتن به مکتب‌خانه
۱۳۲۷ق/ ۱۲۸۹ش	۱۵ سالگی	ازدواج با حاج میرزا آقا معروف به معین‌التجار (پسرعمو)
۱۳۲۳ق/ ۱۲۸۵ش	۱۱ سالگی	بازگشت میرزا علی‌آقا شیرازی به اصفهان (استاد بانو امین)
۱۳۲۹ق/ ۱۲۸۶ش	۱۷ سالگی	بازگشت میر سید علی نجف‌آبادی اصفهانی به اصفهان (استاد بانو امین)
۱۳۳۵ق/ ۱۲۹۵ش	۲۱ سالگی	تأسیس اولین مدرسه دخترانه در اصفهان با نام «مکتب‌خانه شرعیات» توسط صدیقه دولت‌آبادی
۱۳۳۶ق/ ۱۲۹۶ش	۲۲ سالگی	تأسیس مدرسه «ام‌المدارس» در اصفهان توسط صدیقه دولت‌آبادی
۱۳۳۶ق. ۱۲۹۶ش	۲۲ سالگی	تأسیس «شرکت خواتین اصفهان» توسط صدیقه دولت‌آبادی
سوم اسفند ۱۲۹۹ش	۲۵ سالگی	کودتای نظامی رضاخان میرپنج و سید ضیاءالدین طباطبایی
۱۳۱۰ش و بعد از آن	—	اوج گرفتن جریان‌های ضد حجاب در دوران پهلوی اول
۱۷ دی ۱۳۱۴ش	۴۰ سالگی	اعلام قانون ممنوعیت حجاب به همه نهادهای کشور
۱۳۵۴ق/ ۱۳۱۴ش	۴۰ سالگی	اخذ اولین اجازه کتبی اجتهاد از آیت‌الله محمد کاظم شیرازی و تأیید آن از سوی آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، دریافت اجازه از آیت‌الله ابراهیم حسینی اسطهباناتی شیرازی

سفر به عراق و حضور در نجف اشرف	۴۰ تا ۴۳ سالگی	۱۳۵۴ق تا ۱۳۵۷ق
انتشار کتاب اربعین الهاشمیه	۴۱ سالگی	۱۳۵۵ق/ ۱۳۱۵ش
دریافت اجازه از آیت‌الله محمدرضا نجفی اصفهانی	۴۳ سالگی	۱۳۵۷ق/ ۱۳۱۷ش
اعطای اجازه‌نامه به آیت‌الله مرعشی نجفی	۴۴ سالگی	۱۳۵۸ق/ ۱۳۱۷ش
تألیف کتاب مخزن اللئالی در فضیلت مولی الموالی	۴۵ سالگی	۱۳۶۰ق/ ۱۳۱۹ش
دهه قحطی و فقر فراگیر مردم ایران	—	دهه ۱۳۲۰ش
تألیف کتاب سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعداء	۴۹ سالگی	۱۳۶۳ق/ ۱۳۲۳ش
تألیف کتاب معاد یا آخرین سیر بشر	۵۲ سالگی	۱۳۶۶ق/ ۱۳۲۶ش
تألیف کتاب اخلاق و راه سعادت بشر	۵۴ سالگی	۱۳۶۸ق/ ۱۳۲۸ش
تألیف کتاب النفحات الرحمانیه فی الوردات القلبیه	۵۵ سالگی	۱۳۶۹ق/ ۱۳۲۹ش
ملی شدن صنعت نفت ایران	—	اسفند ۱۳۲۹ش
رشد فعالیت‌های فرهنگی زنان در اصفهان در مقابله با حکومت پهلوی (نمونه آن: خانم فخر السادات ابطحی)	—	رهه ۱۳۳۰ش
انتشار کتاب روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی	۶۰ سالگی	۱۳۷۵ق/ ۱۳۳۴ش
تألیف اولین جلد از تفسیر مخزن العرفان	۶۲ سالگی	۱۳۷۶ق/ ۱۳۳۶ش
درگذشت همسر بانو امین مقارن با اتمام جلد اول تفسیر مخزن العرفان	بعد از ۶۲ سالگی	پس از ۱۳۷۶ق/ ۱۳۳۶ش
اعطای اجازه‌نامه به آیت‌الله سید عباس کاشانی	۶۶ سالگی	۱۳۸۱ق/

		۱۳۴۰ش
تألیف کتاب جامع الشتات و تألیف جلد دوازدهم تفسیر مخزن العرفان	۷۰ سالگی	۱۳۸۵ق/ ۱۳۴۴ش
تأسیس مدرسه دینی بانوان با نام مکتب فاطمه ^(س) در اصفهان	۷۰ سالگی	۱۳۸۵ق/ ۱۳۴۴ش
درخواست تأسیس دبیرستانی با نام «مکتب فاطمه ^(س) » از اداره آموزش و پرورش استان اصفهان	۷۱ سالگی	۱۳۸۶/۰۴/۱۸ق- ۱۳۴۵/۰۵/۱۵ش
صدور مجوز دبیرستان را با نام «امین» با مسئولیت بانو امین	۷۱ سالگی	۱۳۸۶/۰۸/۰۷ق- ۱۳۴۵/۰۸/۲۹ش
تألیف آخرین جلد (جلد پنجم) از تفسیر مخزن العرفان	۷۸ سالگی	۱۳۹۴ق/ ۱۳۵۲ش
ترجمه کتاب اربعین الهاشمیه خانم امین توسط شاگرد او (خانم علویه همایونی)	۸۰ سالگی	۱۳۹۵ق/ ۱۳۵۴ش
اعطای اجازه‌نامه به خانم زینت سادات همایونی	۸۱ سالگی	۱۳۹۶ق/ ۱۳۵۵ش
تأسیس انجمن حمایت از کودکان و خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان	۸۵ سالگی	خرداد ۱۳۵۹
رحلت بانو امین اصفهانی	۸۸ سالگی	۱۴۰۳/۰۹/۰۱ق- ۱۳۶۲/۰۳/۲۳ش

نتیجه‌گیری

با توجه به مستندات تاریخی و انطباق آن با زندگانی امین و اقدامات و تألیفات او، خط سیری از وقایع اجتماعی و فرهنگی و کنش‌ها مشخص می‌شود که بر اساس آن، هم زمینه‌ها و شرایط وقوع اقدامات و آثار آشکار می‌شود و هم تاریخ دقیق وقایع و سیر تحولات فکری روشن می‌شود. این خط سیر، از تدقیق تاریخ تولد آغاز می‌شود و سیر اقدامات امین را در نسبت با وقایع اجتماعی روزگار خود به خوبی بیان می‌کند. همچنین پیوندهای موجود میان تألیفات امین و رویدادهای زندگی او، مانند دریافت اجازات و واکنش‌های او در نسبت با مسائل اجتماعی را نشان می‌دهد و زمینه تاریخی فعالیت‌های

تألیفی و ادبی او را نشان می‌دهد. ضمن آنکه بخش‌های مغفول از حیات او را مانند سفر به عراق در ایام دریافت اجازه و سخنرانی‌های فرهنگی او در دهه ۳۰ ش. را آشکار می‌سازد. بر این اساس کتاب «أربعین الهاشمیه» را باید از زمینه‌های توجه به سطح علمی بانو امین تلقی کرد؛ نه اینکه در دریافت اجازات به او نقش مستقیم داشته باشد. همچنین امین حدود سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۰ ق، سفری به نجف اشرف داشته و این ایام، مصادف و مؤخر بر زمان دریافت اجازات به او از سوی علمای نجف است. همچنین شروع فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی بانو امین به دهه ۱۳۳۰ ش بازمی‌گردد که انتشار کتاب «روش خوشبختی و واکنش به جریانات تجددگرایی در اصفهان» متعلق به این دوره است.

سبک نگارشی بانو امین در اغلب آثار وی، توضیحی است؛ زیرا دغدغه اصلی او در انتشار آثار خود، اطلاع‌رسانی و ترویج اندیشه اسلامی و عرفانی بوده است. با این حال متن آثار او از نظر بیانی کاملاً روان است. او مخاطب خود را عموم جامعه فرض داشته است. البته در برخی موارد که نیاز به طرح مباحث فلسفی و توضیح دقیق علمی نظرها در حوزه‌های فقه و روایت، عرفان و فلسفه و تعلیم دینی و قرآنی بوده است، او با زبانی علمی و فنی توانسته است سطح بالای علمی خود را نشان داده، کفایت دانشی خود را در طرح و بحث مطالب نشان دهد. بانو امین در آثار توضیحی خود درباره بسط اندیشه‌های عرفانی‌اش از طریق کاربرد صناعات ادبی متعدد، کوشیده است تا صورت‌بندی‌های توصیفی را برای ارتباط نزدیک‌تر با مخاطب خود به خدمت گیرد و مخاطب را با اندیشه‌ها و تجارب عرفانی و معنوی خویش همراه سازد. از آنجایی که مجرای ارتباط مخاطب معاصر با اندیشه‌های بانو امین تنها از طریق آثار اوست، می‌توان گفت نثری غالباً روان با بیانی صریح، به خوبی می‌تواند اندیشه‌های بانو امین را انتقال دهد. ضمن آنکه کاربرد صناعات ادبی در بیان امین، به ارتباط بیشتر مخاطب با نوشته‌های او کمک می‌کند. بیان علمی امین نیز هرچند متضمن به‌کارگیری اصطلاحات فنی است، واجد خصیصه روان‌نویسی و بیان سلیس نیز هست؛ موضوعی که خصیصه غالب آثار او تلقی می‌شود.

آنچه ذیل آثار و اندیشه‌های او برجسته است، رویکرد وی به موضوع زنان و اهمیت ایفای نقش در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به عنوان یک زن است؛ از این‌رو، او در غایت تلاش‌های خود، در اقدامات فرهنگی به موضوع آموزش زنان به طور خاص همت می‌گمارد.

بانو امین همواره کوشیده است تا در نسبت با اقتضائات اجتماعی روزگار خود، سهمی را در قبال رشد اجتماعی و فرهنگی برعهده گیرد؛ تلاشی که از لایه‌لای آثار و در نسبت با تاریخ و وقایع عصر او جلوه‌گر شده و نشان‌دهنده میزان دغدغه‌مندی و کنشگری اجتماعی او به عنوان اندیشمندی مسلمان است.

پی‌نوشت

۱. در منابع زندگی‌نامه‌ای ترتیب نگارش آثار بدین ترتیب بیان شده است اربعین [الهاشمیّه]، مخزن اللّٰهالی، سیر و سلوک، معاد، روش خوشبختی، اخلاق و تفسیر مخزن العرفان (ریاحی، ۱۳۷۵: ۹۷؛ یادنامه، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۶). که با توجه به شواهد تاریخی، دقت تاریخی لازم را ندارد.
۲. هرچند در غالب منابع، نام علامه امینی به عنوان دریافت‌کننده اجازه‌نامه از بانو امین درج شده، متن این اجازه‌نامه در منابع درج نشده است. از این‌رو باید به این موضوع با تردید نگریست.
۳. در برخی زندگی‌نامه‌ها به اشتباه نام خانم فخرالسّادات ابطحی (۱۳۸۸-۱۳۱۳ش) جزء شاگردان بانو امین ذکر شده است (امین، ۱۴۳۹ق: ۳۳؛ اشرف، ۱۳۷۲: ۸۷)؛ حال آنکه در یادنامه او، از بانو امین به عنوان استاد نام برده نشده است (ر.ک: یادنامه، ۱۳۹۲).
۴. بانو امین در انتهای بیشتر مجلّلات تفسیر خود، تاریخ اتمام آن را ذکر کرده است. درباره ترتیب و تاریخ مجلّلات تفسیر بانو امین به صورت یکجا (ر.ک: مهریزی، ۱۳۸۵: ۱۷).

منابع

- آبادیان، حسین و زهره صفری (۱۳۹۳) «مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مشروطه تا سلطنت رضاشاه»، جستارهای تاریخی، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان، صص ۲۰-۱.
- آقابزرگ طهرانی، محمدحسن (۱۴۰۸ق) الذریعة إلى تصانیف الشیعة، قم- تهران، اسماعیلیان- کتابخانه اسلامیة.
- ابطحی، سید علی رضا (۱۳۹۷) رود زاینده: مبارزات مردم اصفهان در دوره پهلوی دوم (تا سال ۱۳۵۶)، اصفهان، اسپانه.
- احمدی، محمدحسن (۱۳۹۳) روش شناسی تاریخی در علوم قرآن و حدیث، قم، دانشگاه قم.
- اسلامیت، مرضیه (۱۳۸۹) بانو امین و تفسیر مخزن العرفان، تهران، خانه کتاب.
- اشرف، سید علی (۱۳۷۲) «العلویة أمین نصره ... الفقهیة المفسرة»، مجله رساله القرآن، شماره ۱۳، خرداد ۱۳۷۲، صص ۸۵-۹۴.
- امامی، ابوالقاسم (۱۳۷۵) «مقدمه»، کیمیای سعادت: ترجمه طهاره الاعراق ابوعلی مسکویه رازی، مقدمه و تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران، میراث مکتوب نقطه.
- امین، سیده نصرت (۱۳۲۸) اخلاق و راه سعادت بشر؛ اقتباس و ترجمه از طهارة الاعراق ابن مسکویه، اصفهان، چاپخانه امامی.
- (۱۳۴۴) جامع الشتات، اصفهان، مطبعة المحمّديّة.
- (۱۳۶۱) مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- (۱۳۶۵ق) الأربعین الهاشمیة فی شرح جملة من الأحادیث الواردة فی العلوم الدینیة، طبع بواسطة سماحة العلامة السید مهدی العلوی، کویت، الرّمیّیة (أُفست از نسخه دمشق: دار الفكر).
- (۱۳۶۹الف) اخلاق و راه سعادت بشر؛ اقتباس و ترجمه از طهارة الاعراق ابن مسکویه، تهران، فیض کاشانی.
- (۱۳۶۹ب) سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعداء، اصفهان، نشاط.
- (۱۳۷۱) مخزن الالکی: در فضیلت مولی الموحّدين حضرت علی بن ابیطالب^(ع)، اصفهان، انجمن حامی خانواده های بی سرپرست.
- (۱۳۸۷) معاد یا آخرین سیر بشر، اصفهان، گنبدهای فیروزه ای.
- (۱۳۸۹) أربعین الهاشمیة، ترجمه علویه همایونی، اصفهان، گلبهار.
- (۱۳۹۲) روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، اصفهان، گلبهار.

- امین، نصرت‌بیگم (۱۳۷۹ق) روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، به قلم بانوی دانشمند ایرانی، چاپ چهارم، تهران، کتابفروشی سروش.
- (۱۴۳۹ق) النفحات الرحمانیة فی الوردات القلبیة، تقدیم شیخ عبدالله سبیتی، بیروت، دار المعارف الحکمیة.
- باقری بیدهندی، ناصر (۱۳۷۷) بانوی نمونه: جلوه‌هایی از حیات بانوی مجتهدہ امین اصفهانی، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات.
- بامداد، بدر الملوک (۱۳۴۷) زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران، ابن‌سینا.
- بیات، کاوه و مسعود کوهستانی‌نژاد (۱۳۷۲) اسناد مطبوعات: ۱۲۸۶-۱۳۲۰ش، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- بیطرفان، محمد و دیگران (۱۳۹۶) «انقلاب مشروطیت و اعتراض علیه جایگاه آموزشی و تربیتی زنان»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال شصت و دوم، شماره ۷۹، زمستان، صص ۱۵۹-۱۸۹.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳) داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسون، محمد و اُم‌علی مشکور (۱۳۷۹) أعلام النساء المؤمنات، تهران، أسوه.
- حکمت، نصرالله (۱۳۸۳) تَهْذِيبُ الْأَخْلَاقِ وَ تَطْهِيرُ (یا طَهَارَةُ) الْأَعْرَاقِ، دانشنامه جهان اسلام، جلد هشتم، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- خلیلیان، حمید و اصغر منتظرالقائم (۱۳۸۵) بوستان فضیلت، [با همکاری] مجموعه تاریخی، فرهنگی، مذهبی تخت فولاد اصفهان- واحد دانشنامه (برای) شهرداری اصفهان، اصفهان، کانون پژوهش.
- دلاور، علی (۱۳۸۷) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۷۷) صدیقه دولت‌آبادی: نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، ویراسته مهدخت صنعتی و افسانه نجم‌آبادی، نیویورک.
- رضاداد، علیّه و سیدکاظم طباطبایی (۱۳۸۷) «گاه‌شماری آثار شیخ طوسی»، مجله دانشکده الهیات و معارف مشهد (ویژه علوم قرآن و حدیث)، شماره ۸۰، تابستان ۱۳۸۷، صص ۴۹-۷۳.
- روضاتی، سید محمدعلی (۱۳۳۲) زندگانی حضرت آیت‌الله چهارسوقی، اصفهان، تأیید.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۷۵) مشاهیر زنان اصفهان از گذشته تا عصر حاضر، اصفهان، سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۸۵) «نظری به شخصیت اخلاقی حاج میرزا علی‌آقا شیرازی»، فصلنامه اخلاق، شماره ۲-۳، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، صص ۲۰۶-۲۷۸.
- (۱۳۸۷) «تجلی فرزاندگی؛ سیری در آثار و احوال فکری و تربیتی بانو مجتهدہ سیده نصرت امین (بخش نخست)»، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۳۹، بهار، صص ۹۸-۱۱۶.

- زاهدی، اردشیر (۱۳۸۱) رازهای ناگفته، به کوشش پری اباضلی و هوشنگ میرهاشم، تهران، به آفرین.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶) نقد ادبی، تهران، امیرکبیر.
- صدوق، محمدبن علی ابن بابویه (۱۳۶۲) من لایحضره الفقیه، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۵۹) تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمآلهین، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- طیبی، ناهید (۱۳۸۳) زندگانی بانوی ایرانی: بانوی مجتهده نصرت‌السادات امین، زیر نظر زینب سادات علویه همایونی، اصفهان، گلبهار.
- (۱۳۹۹) «نقش بانو امین در گسترش علوم اسلامی با تأکید بر دانش و روش تفسیری»، فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآنی نامه جامعه، سال هجدهم، شماره ۱۳۳، بهار، صص ۵۴-۳۳.
- عبدالحمید، نرگس (۱۳۹۴) «روش‌شناسی تفسیری بانو امین»، پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، شماره ۱، پاییز، صص ۷۸-۱۰۱.
- عموخلیلی، مرجان (۱۳۷۹) کوکب درّی: شرح احوال بانوی مجتهده امین، تهران، پیام عدالت.
- فرهمند، نسیم (۱۳۹۸) آموزش و نهادهای آموزش دختران در دوره قاجار، قم، یاس بخشایش.
- فریده عصر: بررسی علمی و عملی عالیه عارفه بانو مجتهده امین^(۵) (۱۳۸۹) تهیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه استان اصفهان، تهران، هستی‌نما.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ق) الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین^(ع).
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲) اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
- کریم‌پور، سکینه (۱۳۹۷) «اخلاق اسلامی در آرا، آثار و اندیشه‌های بانوی ایرانی»، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ایران - خوی: ۳۰ خرداد ۱۳۹۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) الکافی، تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- کیهانی، معصومه (۱۳۷۱) «نگاهی به مطبوعات زنان در ایران (از ۱۳۲۸ق تا ۱۳۷۱ش)»، ماهنامه کلک، شماره ۳۴، دی‌ماه، صص: ۷۳-۹۱.
- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹) ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه أو اللقب، تهران، کتابفروشی خیام.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات [تهیه‌کننده] (۱۳۸۲) انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان اصفهان، کتاب اول، تهران، وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات [تهیه‌کننده] (۱۳۷۸) تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران، وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.

مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳) شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زوآر. معتمدی، اسفندیار (۱۳۸۶) اصفهان: مدارس نوین و مفاخر آن، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.

ملائی توانی، علی‌رضا (۱۳۸۶) درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران، نشرنی. مهدوی، سید مصطفی‌الدین (۱۳۷۰) لسان الأرض یا تاریخ تخت فولاد، اصفهان، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان.

----- (۱۳۷۱) خاندان شیخ‌الاسلام اصفهان در طول چهارصد سال؛ از علامه محقق سبزواری تا دکتر علی شیخ‌الاسلام، اصفهان، گلبهار.

----- (۱۳۸۴) تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، تصحیح، تحقیق و اضافات رحیم قاسمی و محمدرضا نیلفروشان، اصفهان، گلدسته.

مهریزی، مهدی (۱۳۸۵) «زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی»، آینه پژوهش، دوره ۱۷، شماره ۹۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، صص ۱۶-۲۳.

هویدا، فریدون (۱۳۶۵) سقوط شاه، ترجمه ج.ا. مهران، تهران، اطلاعات.

یادنامه حاجیه خانم فخرالسادات ابطحی؛ بانوی فرزانه اصفهان (۱۳۹۲) به مناسبت چهارمین سالگرد عروج ملکوتی حاجیه خانم فخرالسادات ابطحی، مؤسس حوزه علمیّه حضرت فاطمه محدّثه^(س).

مدرسه علمیّه حضرت فاطمه محدّثه^(س) [تهیه‌کننده]، بهمن‌ماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در:

<https://kowsarblog.ir/>

یادنامه بانوی مجتهده حجت‌الاسلام و المسلمین سیّده نصرت امین- (۱۳۷۱) تهیه و تنظیم مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی (واحد فرهنگی خواهران)، اصفهان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.